

# سبک‌های هنری در «تصویرگری کتاب»

پاتریشیا جی. گدانسیلو  
سیدمحمد امید روشناس

«سبک» واژه‌ای است که به هیأت و ترکیب گشتالتی<sup>۱</sup> عناصر هنری اشاره دارد. این عناصر با یکدیگر، به نحوه‌ی مشخص و بارزی از بیان هنری شکل می‌دهند. سبک‌ها بیانگر هویتی شخصی یا قالب و فرمی قابل تشخیص در کار هنرمندند که به رفتار هماهنگ و شخصی او در قبال جزئیات، ترکیب‌بندی و استفاده از آن‌ها مربوط می‌شود.

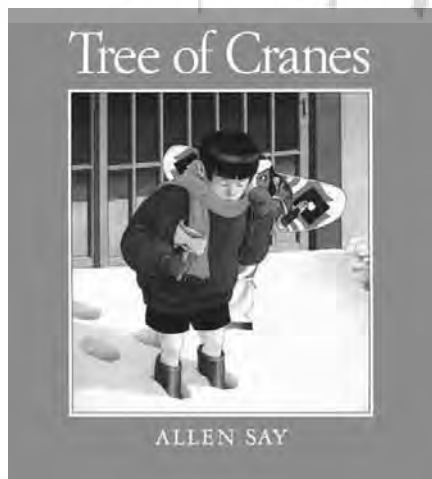
هم‌چنین، واژه سبک به شیوه‌ای گسترش‌یافته‌ای اشاره دارد که درون یک فرهنگ یا در برهه مشخصی از یک دوره زمانی اصالت می‌یابد. غالباً توصیف دقیق یک شخصیت برجسته هنری یا سبکی که توسط یک هنرمند ارائه می‌شود، دشوار است. حتی توضیح آن، از طریق ویژگی‌های افرادی که در یک ناحیه یا فرهنگی خاص زندگی می‌کنند هم به دشواری صورت می‌گیرد.

محدوده سبک‌های هنری، ویژگی‌های وسیعی را شامل می‌شود که شمار متنوعی از سبک‌ها، با عناوینی مانند سبک سوررئالیستی، بازنمایاند [ناتورالیستی]، اکسپرسیونیستی، امپرسیونیستی، هنر بومی، هنر طنز یا هنر ساده‌نگار (نانیف) در خود جای می‌دهد. چنان چه در برخی کتب مصور اشاره‌ای به این سبک‌ها و شیوه‌ها شده باشد، درون متن توضیحاتی درباره آن خواهیم داد. در ادامه این مطلب، خلاصه‌ای از سبک‌های نامبرده توضیح داده خواهد شد و با عناوین یک یا دو کتاب که تصاویری نمونه از آن سبک را داراست، همراه می‌شود.

## هنر رئالیستی یا بازنمایانه<sup>۲</sup>

در هنر رئالیستی یا بازنمایانه، هنرمند اشاره‌ای مستقیم به مشاهدات و واقعیت‌هایی دارد که خود آن را دیده یا تجربه کرده است. برای ارائه بصری یک واقعیت، هنرمند، می‌کوشد با دقتی عکاس‌گونه، جزئیات را آشکار سازد تا اشکال آشنا را در پرسپکتیوی درست و متناسب ارائه دهد؛ گرچه عملاً به اندازه جزئیات موجود در واقعیت تصویر نمی‌گردد.

دور کاس مک کلینتاک<sup>۳</sup> (نویسنده کتاب نگاهی به تصاویر حیوانات، در هنر، انتشارات اسکراییز ۱۹۹۳، ص ۱)، درباره این گونه از هنر می‌گوید: «... حتی در شیوه رئالیسم، چشم و دستان هنرمند انتخاب می‌کند و تغییر می‌دهد که با درک تیزبینانه و حساسیت شخصی او همراه است. نقاشی‌های آبرنگ الن سی (say)<sup>۴</sup> که در سال ۱۹۹۴ میلادی، برنده مدال کلدکات شد و عنوان «سفرهای پدر بزرگ» (انتشارات هوتن میفلین ۱۹۹۳) را بر خود داشت و هم‌چنین کتاب راهنمای تصویری «درخت درنا» (هوتن میفلین ۱۹۹۱)، از این دست آثار محسوب می‌شود. در این آثار، تناسب



واژه سبک به شیوه‌ای

گسترش یابنده‌ای

اشاره دارد

که درون یک فرهنگ

یا در برهه مشخصی

از یک دوره زمانی

اصالت می‌یابد.

غالباً توصیف

دقیق یک شخصیت

برجسته هنری

یا سبکی که توسط

یک هنرمند

ارائه می‌شود،

دشوار است.

چنان دقیق و رئالیستی رعایت می‌شود که در استفاده از خطوط، رنگ‌ها و سایه‌زنی، هم‌چون عکس‌های یک آلبوم خانوادگی است که تجربه‌های مشترک فرهنگی در آن نشان داده می‌شود. تصاویر واقع‌گرایی که دیوید شُنن<sup>۵</sup> برای بازنویسی یک افسانه سرخ‌پوستی توسط «مارتین ریف»<sup>۶</sup>، با نام «پسری که با فک‌ها زندگی می‌کرد»، کشیده است (انتشارات پانتنم ۱۹۹۳)، تأیید است دوباره بر قابلیت این داستان حیرت‌انگیز. این تصاویر، به گونه‌ای دریا، رفتار و کردار فک‌ها و اعتقادات و شیوه زندگی سرخ‌پوستان را به ما نشان می‌دهد که برای مان ملموس و بسیار قابل باور است.

### هنر سوررئالیستی (فراواقعی)



اجزای تصاویر سوررئالیستی، به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌گیرند که یادآور رویاها، کابوس‌ها و توهم ما باشند. یک نمونه قابل ذکر از سوررئالیسم (در تصاویر و متن)، کاری است از مایکل گارلند<sup>۷</sup>، تحت عنوان «شام با ماگریت» (انتشارات داتون ۱۹۹۵). داستان پیر، پسر جوانی است که همسایگان خود ژرژت و رنه ماگریت را ملاقات می‌کند و به شام و شب‌نشینی آن‌ها و مهمان‌شان، سالوادور دالی - که انتظار آمدنش را می‌کشند - دعوت می‌شود.

زمانی که منتظر دالی هستند، پیر به ماگریت در حال نقاشی کردن می‌نگرد و هنرمند اندکی توضیح می‌دهد که او چگونه باید نقاشی‌هایش را ببیند. [ماگریت] می‌گوید: «من دوست دارم چیزی را به تصویر بکشم که به ذهنم می‌آید. من رویاهای خودم را نقاشی می‌کشم. به این ترتیب وقتی مردم آثار مرا

می‌بینند، آن چه را در ذهن می‌گذرد، خواهند دید.» این توصیفی کامل از عملکرد یک هنرمند سوررئالیست یا فراواقع‌گراست. اکثر تصاویر، به طور خلاصه و ساده، نشان‌دهنده اعمال و کارهایی است که در متن به آن‌ها تأکید و اشاره می‌شود. نقاشی‌هایی سرشار از رنگ و هم‌چنین اسلوب رنگ روغنی که یادآور آثار ماگریت و دالی است. در برخی موارد، حتی بعضی تصاویر سوررئالیستی این هنرمندان معروف، به شکلی در این کتاب بازسازی می‌شوند، اما گارلند، شیوه شخصی خودش را نیز خلق می‌کند. «شام با ماگریت» در نوع خود، کتابی زیبا و سرگرم‌کننده و استفاده دیگر آن، آشنایی کودکان با آثار این دو هنرمند بزرگ سبک سوررئالیسم است.

### هنر امپرسیونیستی

تشخیص ویژگی‌های نور و رنگ در فضای اطراف ما، امکان این را فراهم می‌سازد تا طبیعتی را مشاهده کنیم که دائم‌التغییر است. هنرمند امپرسیونیست، می‌کوشد تصویری را ثبت کند که ذاتاً متغیر و گذراست. در هنر امپرسیونیستی، ترکیب‌بندی تا حدی بی‌فرم و ساختار است و پیکره‌ها مدام به شکلی فرعی و جانبی بدل می‌گردند، رنگ‌ها می‌شکنند و در کنار یکدیگر عرض اندام می‌کنند، اما در چشم بیننده، مجدداً با هم ترکیب می‌شوند.

در نتیجه چنین تصویری، خطوط حاشیه‌ای واقعیت (که می‌تواند یک شخص، یک شیء و یا حتی یک منظره باشد)، نرم و متغیر می‌شود و توهم حجم توده و جرم کاهش می‌یابد، آن چه مهم‌تر از وضوح و نمایش جزئیات به نظر می‌رسد، «برداشت لحظه‌ای» از یک جلوه خاص است.

دور کاس مک کلیتاک، در کتاب «نگاهی به تصویر حیوانات در هنر»، می‌گوید: «هنرمند امپرسیونیست می‌کوشد لحظه‌ای واقعی از زمان را ثبت کند؛ چیزی که چشم در لحظه‌ای کوتاه دیده است.

امپرسیونیسم... اغلب هم‌چون یک طرح‌واره یا پیش طرح (اسکیس) به نظر می‌آید. جزئیات در نظر بیننده کم‌رنگ و کم‌تر بر آن‌ها تأکید می‌شود...، به این حال، احساس و ادراک در «برداشت لحظه‌ای» و گذرای هنرمند انتقال می‌یابد و نوعی جاذبه تصویری ایجاد می‌شود که بیننده با درکی سریع، به آن واکنش نشان می‌دهد.»

### اجزای

تصاویر سوررئالیستی،

به گونه‌ای

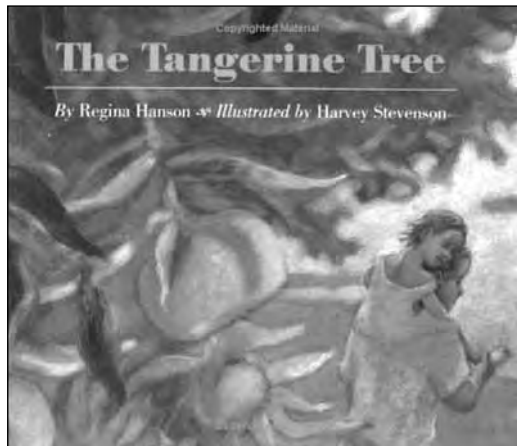
در کنار هم

قرار می‌گیرند

که یادآور رویاها،

کابوس‌ها و

توهم ما باشند.



کتاب «پنهان در خاک»، داستانی است از مارگارت هاجز<sup>۸</sup> که بازخوانی یک داستان بودایی کهن، به نام «جاتاکا» به حساب می‌آید و توسط پل برلینگ<sup>۹</sup> مصور شده است (انتشارات اسکرایز ۱۹۹۴). این تصاویر به شیوه‌ای امپرسیونیستی، جلوه‌هایی زیبا از صحرای میان هند و آسیای میانه را ترسیم کرده است. توانایی برلینگ در آفریدن تصاویری است که تجسم‌دهنده چهره‌ای خشن و بی‌رحم از صحرا در طول روز و فضایی دلچسب و عجیب از آن در شب است. این موفقیت،

به واسطه استفاده هنرمندانه از لکه‌های رنگ و نور و سایه به دست آمده و بسیار قابل توجه است. نمونه دیگری از کتبی که با شیوه امپرسیونیستی مصور شده‌اند، «درخت نارنگی» است که نویسنده آن «رجینا هانسن»<sup>۱۰</sup> و تصویرگر آن «هاروی استیونسن»<sup>۱۱</sup> است. (انتشارات کلاریون، ۱۹۹۵) داستان این کتاب، درباره وداع پدر یک خانواده جاماییکایی است که برای شغلی جدید و درآمد بیشتر، خانواده و محل زندگی خود را ترک می‌گوید. تصاویر امپرسیونیستی این کتاب، با رنگ‌های درخشان و غنی و اکریلیک آفریده شده‌اند.

به دور از هرگونه احساساتی‌گری، هر کدام از شخصیت‌های داستان، با حالت و حس و ظاهرشان، علاقه‌ای که میان اعضای خانواده جاری است و عکس‌العمل‌های احساسی آن‌ها ثبت به این جدایی قریب‌الوقوع، در داستان بروز می‌یابد. حال و هوای ساده و روستاگونه مناطق استوایی، در این داستان اهمیت بسزایی دارد که به مناسب‌ترین شیوه ممکن، با استفاده از لکه‌های رنگ و تأثیرات نور، با تأکید بر پهنه رنگین و درخشان رنگ‌ها و گیاهان سبز و سرشار این جزیره، پرداخته شده است.

### اکسپرسیونیسم

در این سبک، تمایل شدیدی به منتزع کردن چیزها از واقعیت موجود دیده می‌شود؛ یعنی بر فرمی و چیزی اساسی و ساختاری در واقعیت تأکید خاص می‌گردد.

اکسپرسیونیسم، با شیوه هنر آکادمیک یا رئالیستی، در تضاد قرار می‌گیرد و در وهله نخست، هیجان ذهنی و واکنش حسی هنرمند است نسبت به واقعیتی که تجربه شده یا مشاهده گردیده. این هنر اغلب حساس، ظریف و سنجیده به نظر می‌آید.

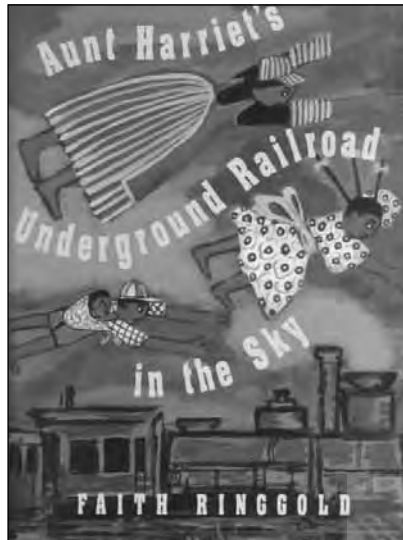
نمونه‌ای از تصویرگری‌های اکسپرسیونیستی را در آثار آشلی برایان<sup>۱۲</sup> می‌توان سراغ گرفت که کتابی با عنوان «چه دنیای عجیبی» را مصور کرده است. متن این کتاب را جورج دیوید وایز<sup>۱۳</sup> و باب تیلی<sup>۱۴</sup> نوشته‌اند (انتشارات ژان کارل / آنتیوم ۱۹۹۵). هم‌چنین، کتاب «زین، زین، زین، یک ویولن»، نوشته لوید ماس<sup>۱۵</sup>، با تصویرسازی‌های مارجرای پراسمین<sup>۱۶</sup> (انتشارات سایمول و شوستر، ۱۹۹۵)، از این سبک بهره گرفته است. آشلی برایان در آثارش، رنگ‌هایی درخشان با استفاده از گواش و تمپرا می‌آفریند که کاملاً مکمل طرح‌های شعرگونه او شده است؛ ترانه‌هایی پرنشاط، نویدبخش و پراز عشق و امید (تصویر ۵ کتاب). اما تصاویر مارجرای پراسمین برای کتاب «زین، زین، زین، یک ویولن»، با خطوطی اکسپرسیو و بیانگر، هم‌چنین



هنرمند امپرسیونیست،  
می‌کوشد تصویری را  
ثبت کند که ذاتاً  
متغیر و گذراست.  
در هنر امپرسیونیستی،  
ترکیب‌بندی تا حدی  
بی‌فرم و ساختار است  
و پیکره‌ها مدام به  
شکلی فرعی و جانبی  
بدل می‌گردند،  
رنگ‌ها می‌شکنند و  
در کنار یکدیگر  
عرض اندام می‌کنند،  
اما در چشم بیننده،  
مجدداً با هم  
ترکیب می‌شوند.

امپرسیونیسم...  
اغلب هم‌چون یک  
طرح‌واره یا پیش‌طرح  
(اسکیس) به نظر  
می‌آید. جزئیات  
در نظر بیننده  
کم‌رنگ و کم‌تر  
بر آن‌ها تأکید می‌شود...  
با این حال،  
احساس و ادراک  
در «برداشت لحظه‌ای»  
و گذرای هنرمند  
انتقال می‌یابد و نوعی  
جاذبه تصویری  
ایجاد می‌شود  
که بیننده با درکی  
سریع، به آن  
واکنش نشان می‌دهد»

رنگ‌هایی شیطنت‌آمیز و غلیظ، با گواش آفریده شده‌اند. حرکت خطوط، جاگذاری پیکرها (مردم، حیوانات و سازهای موسیقی) در هر تصویر، کاملاً به جا و مناسب است و حتی با ریتم اشعار متن نیز سازگار می‌نماید.



### هنر ساده‌نگار (ناییف)<sup>۱۷</sup>

شاید آن چه در برخورد اول با یک نقاشی که به شیوه ساده‌نگار یا ناییف کشیده شده، به نظرمان آید، ناتوانی نقاشی از ارائه واقعیت [به شکل ناتورالیستی]، از طریق تکنیک و شیوه کارش باشد.

دلیل دیگری که شاید ما را بر آن دارد تا فکر کنیم هنرمند از سنت‌های هنری سر باز می‌زند، این است که مرز مشخص سبک‌شناختی درباره این آثار وجود ندارد. در عوض هنرمندان ساده‌نگار، ذات و جلوه هرچیز و هر صحنه‌ای را خارج از فضا و تجربه خود چیزها نشان می‌دهند.

ویژگی بارز هنر ساده‌نگار یا ناییف، ساده‌سازی هر چیزی است که دیده و تجربه کرده‌ایم. سرزندگی و خودانگیختگی نامتعارف و صاف و سادگی بسیار [از خصلت‌های این هنر است]. هنر ساده‌نگار، هنری «پیش - پرسپکتیوی» است. مخاطب، با شیوه مقابل نهایی یا

نیمرخی در آثار روبه‌روست و همچنین، نوعی بی‌توجهی به آناتومی و پرسپکتیو در این آثار دیده می‌شود. شاید به نظر آید که این مسئله، از خودآگاهی محدود و یافقدان مهارت در بیان خودآگاهی سرچشمه گرفته باشد. نمونه‌ای از هنر ساده‌نگار را در آثار «فیث رینگ گولد»<sup>۱۸</sup> در کتاب «خط آهن زیرزمینی عمه هریت در آسمان» (انتشارات کراون ۱۹۹۲) ملاحظه می‌کنیم. در این کتاب راهنمای تصویری یا کتاب ساحل قیر (انتشارات کراون ۱۹۹۱)، بی‌بی<sup>۱۹</sup> و کیسی، شخصیت‌هایی هستند که همیشه آن‌ها را می‌بینیم. در کتاب برتر کلد کات در ۱۹۹۲ و کتاب برتر «کورتا اسکات کینگ»<sup>۲۰</sup>، سفر یکی از راه‌های گریز بردگان فراری است که [از طریق] خط آهن زیرزمینی صورت می‌گیرد.

متن خلاصه اما گویایی که «فیث رینگ گولد» نوشته است و همچنین نقاشی‌های بسیار پراحساس، ساده‌نگارانه و نمایشی گونه آن با رنگ‌های پرتنوع، کودک را قادر می‌سازد تا هرچه بیشتر به ارزش و اهمیت کار هریت تأیمن و همکارانش در خط آهن زیرزمینی پی ببرد.

نمونه دیگر کتب مصور شده با شیوه هنری ساده‌نگار (ناییف)، کتاب «افسانه پونیستیا»<sup>۲۱</sup> است که بازخوانی و تصاویر آن، توسط تامی دی‌پائولا<sup>۲۲</sup> انجام شده است (انتشارات پاتنم ۱۹۹۴).

این کتاب، به افسانه‌ای مکزیکی می‌پردازد که چگونه گیاه پونیستیا نام خود را یافت؛ یعنی flor de la Nochebuena: گل شب مقدس و این که چگونه این گیاه گلدار، با رنگ‌های سبز و قرمز، در ایالات متحده به شکل سنتی با مراسم کریسمس همراه می‌شود. تصاویر این کتاب که به شیوه‌ای ساده‌نگار آفریده شده‌اند، با داستان آن بسیار متناسب است. دختر کوچکی در یک کلیسای روستایی مکزیکی در شب کریسمس، یک دستگاه گیاه را به مجسمه مسیح نوزاد که در آغل گوسفندان به دنیا آمده، تقدیم می‌کند. به ناگاه علف‌ها و گیاهان، به شکل گل‌هایی ستاره‌وار می‌شکفتند و زمانی که جشن تمام می‌شود، مردم همه گیاهان دهکده را به همان رنگ گل‌های سرخ و زیبا می‌یابند که همان «گل شب مقدس» است. دو کتاب مصور شده که به آن‌ها اشاره رفت و هر دو به شیوه ساده‌نگار یا ناییف تصویر شده‌اند، در شیوه طراحی، محتوا و مداد و اسلوب‌های به کار رفته، بسیار با هم متفاوتند.

### هنر بومی (Folk Art)

عبارت «هنر بومی»، عنوانی کلی در اصطلاحات هنری است. این عبارت، به هنر فرهنگ‌های بومی اشاره دارد که غالباً به صورت گروه‌های نیرومند قومی، در محیط‌هایی محدود یا در جغرافیایی خاص می‌زیند. در

اکسپرسیونیسم،  
با شیوه هنر آکادمیک  
یا رئالیستی،  
در تضاد قرار می‌گیرد  
و در وهله نخست،  
هیجان ذهنی و واکنش  
حسی هنرمند است  
نسبت به واقعیتی  
که تجربه شده  
یا مشاهده گردیده.  
این هنر اغلب حساس،  
ظریف و سنجیده  
به نظر می‌آید.

### در آثار هنری

هر فرهنگ بومی،  
به طرز آشکار،  
سنت‌ها، نقشمایه‌ها،  
نهادهای، شکل‌ها و  
حالات خطوط، حالت‌ها،  
رنگ‌ها، حجم و فضای  
اثر مشخص و متمایز  
است. در واقع به تعداد  
فرهنگ‌های بومی،  
شیوه‌های هنری - بومی  
نیز وجود دارد.



آثار هنری هر فرهنگ بومی، به طرز آسکار، سنت‌ها، نقش‌مایه‌ها، نهادها، شکل‌ها و حالات خطوط، حالت‌ها، رنگ‌ها، حجم و فضای اثر مشخص و متمایز است. در واقع به تعداد فرهنگ‌های بومی، شیوه‌های هنری-بومی نیز وجود دارد.

هر ساله تعداد کثیری از داستان‌های تطبیقی قومی و هم‌چنین داستان‌های واقعی که به شیوه داستان‌های قومی نگاشته شده‌اند، انتشار می‌یابد. چیزی که اغلب در این آثار می‌توان یافت، این است که هنرمندان در تصاویر نشان از ویژگی‌ها، نقش‌مایه‌ها و نمادهایی استفاده می‌کنند که در هنر خاص آن فرهنگ موجود است. بسیاری از کتبی که توسط ادیانگ<sup>۳۳</sup> مصور شده، شامل تعابیر تصویری کامل و دقیقی از این گونه است. نمونه‌هایی از هنر بومی ایرانی و چینی، به عنوان مثال نمونه‌ای عجیب از نگاره‌های قدیمی

ایرانی در کتاب «دختری که باد را دوست می‌داشت»، دیده می‌شود. داستانی که به وسیله جین یولن<sup>۳۴</sup>، به سبک داستان‌های بومی نگاشته شده است، همراه نمونه‌های خاص نگاره‌های ایرانی و کلاژها و تکه‌چسبانی‌های ادیانگ، خواننده را به طرح‌های گاهی از نوع کارهای کودک روبه‌رو می‌سازد. تصاویر حاوی جزئیاتی پر ارزشند. انواع چیزهایی که در جزئیات و پرسپکتیو و تناسبات، یادآور نقاشی کودکان است. بیکرها در پلان‌های متفاوت و در «افق رفیع»<sup>۳۵</sup> قرار گرفته‌اند و هر کدام، جدا از هم به نظر می‌آیند. بیکره آدم‌ها، حیوانات و اجزای طبیعت در هیأت سمبلیک و آرمانی خود خلق شده‌اند.

به عبارت دیگر، تصاویر دقیق و مفصل، به سادگی مصور شده‌اند. زیبایی خط، غنا و رنگ‌مایه‌های گرم و همه این‌ها، به شکلی یادآور کمال‌گرایی هنر ایرانی است که در آثار مصور ادیانگ، در این کتاب دیده می‌شود. یویانگ<sup>۳۶</sup>، برای کتاب «لباس سخنگو: داستان یک پناهنده»، بیکرهایی را روی تاپستری (نقش بافته‌هایی زیبا دوخته است. این داستان توسط یگی دانیس شیا<sup>۳۷</sup> نوشته شده است (انتشارات بویدز میلز ۱۹۹۵).

شیوه کاملاً واقعی درخت و روز سنتی (Hmong)، تمرینی عمومی برای زنان این قوم (Hmong) بوده است که وقایع مهم زندگی‌شان و یا زندگی مردم‌شان را روی این نقش‌بافته‌ها حک می‌کردند.

در این کتاب، دختری کوچک به نام «مایی»، در یک کمپ پناهندگان در تایلند، همراه مادر بزرگ و بسیاری از پناهندگان دیگر (Hmong) زندگی می‌کند. دو شیوه برای تصویرگری این کتاب استفاده شده است. یکی، آبرنگ‌هایی رئالیستی که آنتیا ریجیو<sup>۳۸</sup>، کار کرده و وضع غم‌انگیز پناهندگان داخل کمپ را نشان می‌دهند و تصاویری تأثیرگذارند. شیوه دیگر، بیکرهایی است که یو یانگ برای بازگویی داستان زندگی «مایی»، روی این نقش بافته‌های سنتی یا «پانداو»<sup>۳۹</sup> دوخته است (تصویر ۶). از آن جا که یویانگ، ۷ سال در کمپ پناهندگان در تایلند زندگی کرده است، تجسم او در تصاویر، وامدار تصورات و تجربه‌های اوست که بر سطح نقش‌بافته‌ها دوخته شده. این تصاویر دوخته بر «پانداو»، حاوی خاطراتی است از گذشته و هم‌چنین شرایط حال و آینده او. داستان غم‌انگیز بمباران شهرها، فرار از سرزمین، حضور در اردویی شلوغ در کمپ پناهندگان که «پانداو» درست می‌کنند، داستان زندگی خود را بر آن می‌دوزند و به تجاری از «چیان کان»<sup>۴۰</sup> می‌فروشند تا پولی به دست آورند و به سرزمینی جدید مهاجرت کنند. بیکرها به شیوه‌ای کاملاً نایف و ساده‌نگار آفریده شده‌اند، اما در کل، شکل هنری، قومی و بومی قابل تشخیص است.

### هنر طنز (کارتونی)

در طرح‌های کارتونی یا طنزآمیز، طراح به شیوه‌هایی طنزگونه در کار خود متوسل می‌شود. اغراق کردن، پوچ‌نمایی، عدم رعایت تناسب میان چیزها و ناسازگار بودن عناصر و شخصیت‌ها یا موقعیت‌ها، برای ایجاد خنده یا دست کم لبخند به کار گرفته می‌شود.

یکی از این آثار، کارهای استیون کلاگ<sup>۴۱</sup> است. این آثار با جزئیات زیاد، شیوه کارتونی شیطنت‌آمیز و جالبی برای داستان‌ها و ماجراهای فانتزی و خنده‌دار ارائه می‌دهد. خصوصاً حرکت قلم و رنگ‌آمیزی آبرنگ کلاگ در

به عبارت دیگر،  
تصاویر دقیق و مفصل،  
به سادگی  
مصور شده‌اند.  
زیبایی خط،  
غنا و رنگ‌مایه‌های گرم  
و همه این‌ها،  
به شکلی یادآور  
کمال‌گرایی  
هنر ایرانی است  
که در آثار مصور  
ادیانگ، در این کتاب  
دیده می‌شود.

داستان شلوغ و پرهیجان شخصیت دانمارکی مضحکی به نام پینکرتون<sup>۳۲</sup>، بسیار قابل توجه است. این شخصیت، در آثاری که توسط انتشارات دایال منتشر شده، از جمله «پینکرتون مؤدب باش» (۱۹۷۹)، «گل سرخی برای پینکرتون» و اثر جدیدی به نام «پینکرتون پیش از تاریخ» (۱۹۸۷)، حضور دارد. کلاگ هم‌چنین، به سبب تصویرگری کتاب فانتزی علمی محبوبی به نام «بچه قورباغه عجیب» نیز شهرتی زیاد کسب کرد.

این داستان هوشمندانه، درباره پسری به نام لوییز است که عمویش برای او بچه قورباغه‌ای فرستاده است. بچه قورباغه رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، اما تبدیل به قورباغه نمی‌شود؛ علی‌رغم این که معلم لوییز چیز دیگری گفته بود. این تصویرگری‌های طنزآمیز که کلاگ با آن‌ها مطرح شد، به طور قابل توجهی، طنز داستان را افزایش می‌دهد.

قطعا با یک بار دیدن و بررسی، جزئیات پرتحرک و پر از طنز و مطایبه آثار کلاگ در نظر نخواهد آمد. در واقع هر کدام از تصاویر، دقت مضاعفی را [از جانب بیننده] می‌طلبد.

اثر دیگری که با چنین شیوه طنزآمیزی آفریده شده، کتابی است با نام «من آبله مرغان گرفته‌ام». متن و تصویر آن اثر تروکلی<sup>۳۳</sup> است (انتشارات داتون ۱۹۹۴).

شیوه طنزآمیز و کارتونی خط و رنگ‌های آن که با آبرنگ ایجاد شده است، بی‌قراری‌های دختری را نشان می‌دهد که به بیماری آبله مرغان دچار شده (تصویر ۷). اگر به تصاویر قاب ماندی که کل تصویر را دربر گرفته، بنگرید، نشانه‌ای می‌بینید که شبیه علائم بیماری دخترک داستان است.

قابل توجه است که در پایین هر صفحه، حروف تیره رنگی خارج از قاب تصویر، به «اطلاعاتی درباره آبله» اختصاص یافته است، از قبیل دلایل بیماری، مسری بودن و درمان این بیماری مسری. تصاویر کوچک مربوط به این اطلاعات نیز تصاویری بسیار طنزآلودند.

#### پی‌نوشت:

۱. گشتالت (Gestalt): مکتبی در روان‌شناسی قرن بیستم که برای درک و تحلیل مسائل هنری نیز به کار می‌رود. این مفهوم، به ساختارهای کلی (مثلاً سبک) اشاره دارد که اجزای آن از یکدیگر تجزیه‌ناپذیرند و کلی منسجم و به هم پیوسته درک می‌شوند. مترجم
۲. برای واژه بازنمایی (Representation)، معادل طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم Naturalism) مناسب‌تر می‌نماید تا رئالیسم که نویسنده متن، در چندجا آن را معادل قرار داده است. مترجم

3. Dorcas Mac clintock
4. Allen Say
5. David Shannon
6. Martin Rafe
7. Michael Garland
8. Margaret Hodges
9. Paul Birling
10. Regina Hansan
11. Harvey Stevenson
12. Ashley Bryan
13. George David Weiss
14. Bobthiele
15. Lloyd Moss
16. Marjorie Priceman
17. Naïve
18. Faith Ringgold
19. BeBe - Cassie
20. Coretta Scottking

21. Poinsettia: نوعی گیاه. پنت قنسول
22. Tomie de Paola
23. Ed Young
24. John Yolen
25. High Horison
26. You Yang
27. Pegi Deitzshea
28. Anita Riggio
29. Pandau
30. Chian Khan
31. Steven Kellogg
32. Pinkerton
33. True Kelley

#### منبع:

Picture Books for children.  
Fourth Edition. Patricia J. Cianciolo 1997.  
Ammerican library Association

در طرح‌های  
کارتونی یا طنزآمیز،  
طراح به شیوه‌هایی  
طنزگونه در کار خود  
متوسل می‌شود.  
اغراق کردن، پوچ‌نمایی،  
عدم رعایت تناسب  
میان چیزها و  
ناسازگار بودن عناصر  
و شخصیت‌ها یا  
موقعیت‌ها،  
برای ایجاد خنده  
یا دست کم لبخند  
به کار گرفته می‌شود.